

۱۲ روز تا شروع جام جهانی

وضیعت آب و هوایی و ارتفاع

ورزشگاه‌های ایران در جام جهانی ۲۰۲۶

شرایط طلایی در تیخوانا

تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ باید برابر نیوزیلند، بلژیک و مصر صف‌آرایی کند. دو بازی اول در ورزشگاه سوفای لس آنجلس و بازی سوم در لومن فیلد سیاتل برگزار می‌شود. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد ارتفاع هیچ تهدیدی برای ملی‌پوشان ایجاد نمی‌کند. هر دو ورزشگاه عملاً در تراز دریا قرار دارند؛ لس آنجلس حدود ۴۰ متر و سیاتل فقط ۵ متر ارتفاع از سطح دریا. پس خبری از کاهش اکسیژن یا فشار ناشی از ارتفاع نیست و بازیکنان از نظر تنفسی در شرایط ایده‌آل قرار دارند. اما داستان اصلی آب و هواست. لس آنجلس در ژوئن گرمای طاقت‌فرسایی دارد؛ میانگین دمای روزانه ۲۸ درجه با بیشینه ۳۵ درجه و رطوبت حدود ۷۲ درصد. این ترکیب گرما و رطوبت بالا، کابوس فیزیولوژیک هر فوتبالیستی است. بدن برای خنک شدن مجبور به تعریق زیاد می‌شود که منجر به کم‌آبی شدید، از دست رفتن الکترولیت‌ها، گرفتگی عضلات، خستگی زودرس و افت تمرکز می‌گردد. در چنین شرایطی، حتی بازیکنان آماده هم پس از نیمه اول با کاهش شدید توان مواجه می‌شوند. در مقابل، سیاتل در همان ماه با دمای حدود ۲۰ درجه و هوای خنک و مطبوع، شرایطی تقریباً ایده‌آل برای فوتبال فراهم کرده است. بازی پایانی ایران برابر مصر از این نظر کمترین فشار را به بدن بازیکنان وارد خواهد کرد.

نکنه طلایی و هوشمندانه کادرفنی، انتخاب اردوی تیخوانا در مکزیک است. تیخوانا با ارتفاع حدود ۷۹۰ متر از سطح دریا است و میانگین دمای ۱۸ تا ۲۲ درجه و رطوبت ۶۷ درصد، ترکیبی از آب و هوای لس آنجلس و سیاتل را ارائه می‌دهد. به دلیل همسایگی جغرافیایی با کالیفرنیا، اقلیم تیخوانا شباهت زیادی به لس آنجلس دارد. این یعنی بازیکنان می‌توانند بدون تحمل سختی سفر و اقامت در گرمای شدید لس آنجلس، فرایند سازگاری با گرما را دقیقاً در اردو انجام دهند. همزمان، هوای معتدل تیخوانا به شرایط سیاتل نزدیک است و فرای بازی سوم نیز آماده‌سازی مناسبی خواهد بود.

این اردو یک ابتکار راهبردی در سطح تیم‌های بزرگ است. بدن ورزشکاران در تیخوانا به‌طور طبیعی گرم‌خو می‌کند؛ فرایندی که به آن heat acclimatization می‌گویند و بدون تحلیل رفتن انرژی، توان مقابله با گرمای لس آنجلس را افزایش می‌دهد. کادرفنی همچنین می‌تواند تاکتیک‌های خاص هر مسابقه را در شرایط جوی نزدیک به روز بازی تمرین کند. با توجه به مجاز بودن پنج تعویض در هر مسابقه، مدیریت دقیق زمان بازی و حفظ سرعت در نیمه دوم نیز ممکن خواهد شد.

تنها نگرانی باقیمانده گرمای شدید لس آنجلس است که اگر با برنامه دقیق آب‌رسانی و تغذیه کنترل نشود، می‌تواند شانس ایران را کاهش دهد اما اما اردوی طلایی تیخوانا، بزرگ‌ترین مانع طبیعی تا حد زیادی رفع شده است. باید دید در روز مسابقه این آمادگی چگونه به نتیجه می‌رسد.

خسارت هنگفت

تغییر کمپ تیم ملی به یانکی‌ها

تغییر ناگهانی محل اردوی تیم ملی فوتبال ایران برای جام جهانی، حالا به یکی از سوزنده‌های مهم رسانه‌های آمریکایی تبدیل شده است؛ تصمیمی که نه تنها برنامه‌ریزی‌های چندماهه در ایالت آریزونا را بر هم زد، بلکه خسارت مالی قابل توجهی نیز برای مسئولان محلی به همراه داشت. در حالی که مجموعه ورزشی کینو در شهر توسان از مدت‌ها قبل خود را برای میزبانی از ملی‌پوشان ایران آماده کرده بود، فدراسیون فوتبال ایران در نهایت تصمیم گرفت محل اردو را به تیخوانا مکزیک منتقل کند. رسانه‌های آمریکایی دلیل این جابه‌جایی را نگرانی‌های امنیتی و همچنین احتمال بروز مشکلات ویزا عنوان کرده‌اند. سارا هاتا، مدیر مجموعه ورزشی کینو اعلام کرده تمام هماهنگی‌های لازم برای حضور تیم ملی ایران انجام شده بود و حتی نیروهای امنیتی و بیمه‌کاران محلی نیز برنامه‌ریزی کامل داشتند. به گفته او شهرستان پیمایش از ۷۵ هزار دلار برای مسائل امنیتی و اجرایی هزینه کرده بود؛ مبلغی که حالا عملاً بدون بازگشت مانده است.

با این حال، بیشترین آسیب مالی به هتل وست‌وارد لوک ریزورت وارد شده؛ هتلی که قرار بود میزبان کاروان تیم ملی ایران باشد. مدیر این مجموعه گفته بود، ملی‌پوشان قصد داشتند هر ۲۴۱ اتاق هتل را برای مدت ۳۰ روز رزرو کنند؛ توافقی که می‌توانست صدها هزار دلار درآمد مستقیم برای هتل به همراه داشته باشد. علاوه بر آن، برنامه‌ریزی مفصلی نیز برای سرو و وعده غذایی روزانه اعضای تیم انجام شده بود.

مسئولان محلی توسان تأکید دارند این اتفاق هیچ ارتباطی با کیفیت امکانات یا عملکرد مدیران شهری نداشته است. مت هاینز، از مدیران شهرستان پیمیا، با ابراز ناامیدی گفت: «ما هیچ اشتباهی نکردیم و همه چیز طبق استانداردهای لازم آماده بود.» رسانه‌های آمریکایی این اتفاق را دومین فرصت اقتصادی از دست‌رفته توسان در ماه‌های اخیر توصیف کرده‌اند؛ موضوعی که مجموع خسارت احتمالی آن را به حدود ۱۳ میلیون دلار رسانده است. حالا ماجرای که قرار بود فقط یک اردوی فوتبالی باشد، به تقاطع سیاست، اقتصاد و فوتبال تبدیل شد؛ جایی که یک تصمیم می‌تواند آن‌سوی مرزها یک بحران مالی به‌جا بگذارد.

سرمرمی برای انتخاب مسافران جام جهانی دست به قلم می‌شود

۴۸ ساعت اضطراب

گزارش یک

حمیدضارعرب

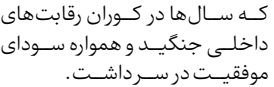
خبرنگار

فقط ۴۸ ساعت دیگر باقی مانده است. ۴۸ ساعتی که شاید مهم‌ترین ساعات دوران مربیگری امیرقلعه‌نویی باشد. مردی که حالا باید بزرگ‌ترین و حساس‌ترین انتخاب‌های عمر حرفه‌ای خود را انجام دهد.

تصمیم‌هایی که نه فقط بر سرنوشت چند بازیکن، بلکه شاید برآینده فوتبال ملی ایران نیز تأثیر بگذارد. جام جهانی جایی برای آزمون و خطا نیست. میدان بزرگی است که در آن هر انتخابی می‌تواند به یک افتخار بزرگ ختم شود یا حسرتی عمیق برجای بگذارد.

امیرقلعه‌نویی را از سال‌های دور می‌شناسیم. از روزهایی که مربی جوانی در فوتبال ایران بود و نخستین گام‌های خود را در مسیر دشوار سرمربیگری برمی‌داشت؛ از کشورآزاد آغاز کرد، سپس به برق رسید و در ادامه آرام‌آرام پله‌های موفقیت را طی کرد. استقلال اهواز، استقلال تهران، سپاهان، تراکتور و ذوب‌آهن هر کدام فصلی از زندگی حرفه‌ای او را شکل دادند.

در این سال‌ها، دوران طلایی قلعه‌نویی نیز از راه رسید. سه قهرمانی متوالی با سپاهان و سه قهرمانی با استقلال، او را به یکی از پرافتخارترین مربیان تاریخ فوتبال ایران تبدیل کرد. مردی



حالا این امیر

قلعه‌نویی

است که فقط

۴۸ ساعت

دیگر فرصت

دارد تصمیم

بگیرد.

تصمیمی

که مشخص

خواهد کرد

چه کسی

لبخندزند

و چه کسی

با رژیایی

نیمه‌تمام‌اردو

را ترک کند

قلعه‌نویی حالا باید فهرست نهایی ۲۶بازیکن تیم ملی را اعلام کند. تصمیمی که معنایی روشن دارد. که برای بسیاری بیشتر شبیه یک قیاس دور از ذهن به نظر می‌رسد و واکنش‌های فراوانی را به همراه

داشت. با این حال، حقیقت آن است که قلعه‌نویی طی سال‌های طولانی مربیگری، همواره موافقان و مخالفان بسیاری داشته است.

برخی او را نماد موفقیت در فوتبال ایران می‌دانند و برخی دیگر انتقادهایی جدی به شیوه فنی و مدیریتی‌اش وارد می‌کنند. اما اکنون دیگر زمان بحث‌های قدیمی نیست. جام جهانی عرصه‌ای است که فقط عملکرد اهمیت دارد.

حضور در میدان، بردیگر فاکتورها برتری پیدا می‌کند؟ پاسخ این پرسش‌ها تا ساعاتی دیگر مشخص خواهد شد. با این حال شاید یک اصل بیش از هر چیز اهمیت داشته باشد. قلعه‌نویی نباید بازیکنی را به جام جهانی برد که از انگیزه کافی برای حضور در تیم ملی برخوردار نیست.

می‌توان از کنار کم‌تجربگی عبور کرد. حتی گاهی می‌توان افت مقطعی آمادگی را نیز نادیده گرفت. حتی مصدومیت قابل رفع را؛ اما بازیکنی که خط قرمز است که هیچ تیم موفق‌نی نمی‌تواند از کنار آن بگذرد.

بازیکنی که عطش حضور در میدان را نداشته باشد، در لحظات دشوار

جام جهانی هرگز نمی‌تواند عصای دست سرمرمی باشد. جام جهانی بیش از هر چیز به بازیکنانی نیاز دارد که با قلب و جان برای پیراهن تیم ملی بجنگند.

شاید اکنون از نگاه کادرفنی هیچ بازیکن بی‌انگیزه‌ای در اردو حضور نداشته باشد. اما تفاوت در میزان اشتیاق است. تفاوت در آن عطشی که می‌تواند یک بازیکن را در لحظه‌ای سرنوشت‌ساز به قهرمان تبدیل کند. بی‌گمان قلعه‌نویی باید با انگیزه‌ترین‌ها را برگزیند. مردانی که برای هر دقیقه حضور در زمین، حاضر به جنگیدن باشند.

غریبال ۲۶بازیکن از میان ۳۰ملی‌پوش باقی‌مانده، بی‌شبهه



عکس: فدراسیون فوتبال

مهم‌ترین تصمیم دوران مربیگری امیرقلعه‌نویی است. تصمیمی که بر لب انتخاب‌شدگان لبخند خواهد نشاناند و بر چشم حذف‌شدگان اشک و اندوه. جام جهانی آن اندازه اهمیت دارد که حتی بازیکنی با اعتبار و افتخارات نیمار نیز هنگام قرار گرفتن نامش در فهرست نهایی، اشک شوق بریزد. برای ستاره‌های جوان همه تجربه، جام جهانی همچنان معنایی متفاوت دارد. فقط ۴۸ساعت دیگر فرصت دارد تصمیم بگیرد. تصمیمی که مشخص خواهد کرد چه کسی لبخندزند و چه کسی با رژیایی نیمه‌تمام‌اردو را ترک کند.

از ریگستان سمرقند تا میدان انقلاب

کلاس درس بزرگ برای فدراسیون فوتبال

ملی است. آنها با برند YSABER وارد مذاکره نشدند تا فقط نام‌شان روی پیراهن بیاید، بلکه فراتر از آن خط تولید داخلی‌شان را به رخ جهانیان کشیدند. در ایران، هرچند برند «مجید» تولیدکننده پیراهن است، اما نه تنها اتفاق بصری ماندگاری در جهت معرفی این برند ملی رخ نمی‌دهد، بلکه حتی بحث «اثبات توانمندی صنعت نساجی ایران» نیز در حاشیه می‌ماند.

رقابت در حاشیه امن

ازبکستان برای ما غریبه نیست. بازیکنانی مانند رستم آشورماتوف (استقلال)، جلال‌الدین ماشارییوف (استقلال)، اوستون اورونوف (پرسپولیس) و ایگور سرکیف (پرسپولیس) در لیگ ایران توپ می‌زنند و بارها رودرو تیم ملی کشورمان قرار گرفته‌اند. فوتبال ایران به‌عنوان یک قطب سنتی آسیا، همیشه ادعای سبقت از رقبای منطقه‌ای را داشته است. اما این روزها، در آستانه بزرگ‌ترین تازه‌وارد است، در حوزه «برندسازی» و «مدیریت رسانه‌ای» از ما پیشی گرفته است. ازبکستان ۱۵روز مانده به جام جهانی، نشان داد که «پیراهن» فقط یک لباس نیست؛ بلکه یک رسانه تمام‌عیار است. ویدیوی تبلیغاتی آنها، کلاس درسی عملی برای فوتبال ایران بود.



۱۰کیلومتر فراتر می‌رود، حضور یک هافبک ۲۰ساله با قدرت ریزگاری بالا، یک مزیت تاکتیکی محسوب می‌شود. رزاقی‌نیا از نظر پوشش فضاهای خالی و دیدن‌های برگشتی، آماری بهتر از چشمی در دو فصل اخیر دارد. او از آن دسته بازیکنانی است که شاید هنوز نامش در تیتراژ بزرگ نباشد اما دقیقاً مناسب فوتبال تورنمنتی است؛ بازیکنی با انرژی بالا، پرس‌پذیری کم، قدرت پوشش فضا و جسارت بازی رو به جلو. حتی از نظر شخصیتی هم نشانه‌های یک بازیکن بزرگ را دارد؛ آرام، کم‌حاشیه و با اعتمادبه‌نفس در بازی‌های بزرگ. شاید تا چند ماه قبل، حضور او در لیست نهایی جام جهانی هم دور از ذهن به نظر می‌رسید اما حالا حتی احتمال فیکس شدنش کنار عزت‌اللهی هم دیگر سناریوی عجیبی نیست. مخصوصاً اگر کادرفنی به این جمع‌بندی برسد که تیم ملی برای عبور از فاز دفاعی به هجومی، به هافبکی مدرن‌تر احتیاج دارد.

در مرحله گروهی راحت نمی‌کند. قربانی دوندگی و فیزیک مناسبی دارد اما در بازی‌های ملی، مخصوصاً مقابل تیم‌هایی که مالکیت بالاتری دارند، هنوز در انتقال سریع توپ و خروج از فشار، آن اطمینان لازم را ایجاد نکرده است. تیم ملی برای بازی در سطح جام جهانی فقط به بازیکنی نیاز ندارد که توپ بگیرد و دفع کند؛ بلکه به هافبکی احتیاج دارد که بعد از توپ‌گیری، جریان بازی را هم تغییر دهد. اینجااست که رزاقی‌نیا می‌تواند تبدیل به سوپربازی بزرگ ایران شود. رزاقی‌نیا بازیکنی است چیدمان باشد. احتمال فیکس شدن رزاقی‌نیا زمانی قوت می‌گیرد که به عملکرد ضعیف محمد قربانی در تیم ملی رجوع کند؛ قربانی هرچند در لیگ امارات قابل‌قبولی دارد اما در بازی‌های اخیر ملی هرگاه فیکس بازی کرده، نتوانسته انتظارات را برآورده کند. فقدان سرعت انتقال و اشتباهات موقعیت‌گیری در بازی‌های دوستانه،

برخی گمانه‌زنی‌ها، محمد خلیفه از نگاه کادرفنی شرایط مطلوبی دارد و عملکرد او در تمرینات رضایت قلعه‌نویی را جلب کرده است. همین مسأله باعث شده برخلاف پیش‌بینی‌های اولیه، او گزینه نخست کنار رفتن از جمع گلرها شده است. سوی دیگر علیرضا بیرانوند نیز همچنان از جایگاه مطمئنی برخوردار است و بعید به نظر می‌رسد حضورش در فهرست نهایی به خطر بیفتد.

با این شرایط، اگر ایران با سه دروازه‌بان راهی جام جهانی شود، احتمالاً رقابت اصلی میان پیام نیازمند و سیدحسین حسینی خواهد بود. دو دروازه‌بانی که هر کدام تجربه و کیفیت قابل توجهی دارند و حذف هر یک از آنها می‌تواند واکنش‌های رسانه‌ای و کارشناسی فراوانی به همراه داشته باشد. همین موضوع شاید قلعه‌نویی را به سمت انتخابی کم‌حاشیه‌تر سوق دهد.

حضور چهار گلر در جام جهانی می‌تواند هم مانع ایجاد اختلاف و حساسیت شود و هم امکان همراهی محمد خلیفه را که مورد رضایت کادرفنی است فراهم کند. تصمیمی که شاید از نگاه فنی محدودیت‌هایی ایجاد کند، اما در مدیریت فضای تیم ملی و آرامش اردو نقش مهمی خواهد داشت. حال باید منتظر ماند و دید سرمرمی تیم ملی در نهایت کدام مسیر را برای مهم‌ترین تورنمنت فوتبال جهان انتخاب می‌کند.



رضایت کادرفنی تیم ملی از عملکرد محمد خلیفه

چهار «شماره یک» راهی جام جهانی می‌شوند؟

در آستانه اعلام فهرست نهایی تیم ملی برای جام جهانی، یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که فضای فوتبال ایران را درگیر خود کرده به تعداد دروازه‌بان‌های حاضر در این تورنمنت بازمی‌گردد.

آیا امیرقلعه‌نویی ترجیح می‌دهد با سه گلر راهی جام جهانی شود یا برای کاهش ریسک و حاشیه‌ها نام چهار دروازه‌بان را در فهرست نهایی قرار دهد؟! این سؤال است که این روزها به محل بحث میان کارشناسان و اهالی فوتبال تبدیل شده و هر سناریو موافقان و مخالفان خود را دارد. در جام جهانی اخیر بسیاری از تیم‌های حاضر در جام جهانی بسته به نیاز فنی و شرایط اردوها تصمیم‌های متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. برخی سرمربیان تنها سه دروازه‌بان را به فهرست نهایی اضافه کرده‌اند تا بتوانند از یک بازیکن بیشتر در خطوط دیگر بهره‌برند. در

اسحله پنهان تیم ملی در آمریکا رونمایی می‌شود

رزاقی‌نیا، برگ برنده امیر؟

در روزهایی که حاشیه‌های دریافت ویزا و تغییر کمپ تیم ملی از آمریکا به مکزیک، بیشتر از مسائل فنی درباره آینده ایران در جام جهانی خربساز شده، شاید مهم‌ترین اتفاق واقعی داخل زمین، آرام و بی‌سرصدا در حال شکل گرفتن باشد؛ ظهور یک هافبک جوان که می‌تواند معادلات خط میانی تیم ملی را تغییر دهد. مصدومیت روزبه چشمی در نگاه اول شاید فقط یک خبر تلخ برای کادرفنی به نظر برسد؛ بازیکنی باتجربه که امیرقلعه‌نویی همیشه روی شخصیت، تجربه و توانایی‌های دفاعی‌اش حساب ویژه‌ای باز کرده است. اما فوتبال گاهی دقیقاً از دل همین اتفاقات اجباری، چهره‌های جدید می‌سازد. حالا بچهره‌ای باز شده که شاید بزرگ‌ترین برنده‌اش امیرمحمد رزاقی‌نیا باشد. رزاقی‌نیا در استقلال نشان داد صرفاً یک هافبک چنگکنه نیست. او برخلاف بسیاری از هافبک‌های دفاعی فوتبال ایران، فقط تخریب‌کننده بازی حریف نیست؛